

متن پرسش

سلام و عرض ادب و احترام خدمت استاد مهربان: استاد چطور آدم متوجه پیشرفت معنوی و وجودی خودش میشه که در ظاهر زندگی و رفتارهایش با اطرافیان و تصمیماتش یا تحلیل کردن مشکلات و مسایل زندگی نشانه ای داره یا نه؟ اساساً آیا باید منتظر نشانه ای باشیم که مثلاً نسبت به چند سال پیش بهتر شده این یا خیر، مثلاً یادمه در یکی از سخنرانی ها شنیدم که میرزا جواد آقا ملکی تبریزی پیش استاد خودشون رفتند و از اینکه پیشرفتی در مسیر سلوک نداشتند گله کردند و اساتیدشون فرمودند که گره کار شما در ارتباطی هست که با اقوامتون دارید باید کینه ها رو حل کنید و ... ایشون چطور خودشون رو می‌سنجیدند که فهمیدند پیشرفتی نکردند؟ من بله خودم نگاه می‌کنم که آیا نسبت به چند سال پیش که خیلی از مباحث معرفتی رو گوش نداده بودم، نمازهایم سر وقت شده؟ یا نماز شبم در حد سه رکعت آخر مداوم و مستمر شده؟ آیا رفتارم با اطرافیانم با محبت شده؟ آیا میتونم دیگه براحتی شتر دیدی ندیدی بکنم یا خیر؟ آیا درک عقلم از مباحث بیشتر شده؟ آیا بیشتر دهانم رو بستم و کمتر حرف بزنم و بیشتر عمل کنم؟ آیا تونستم عین آیه «لم تقولون ما لا تفعلون» بشم یا خیر؟ آیا تونستم هدفهای امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف رو اهداف جزئی و کوچک و بچگانه خودم ترجیح بدم و افق دیدم رو بالاتر ببرم و فانی کنم در اهداف حضرت حجت ارواحنا فدا؟ آیا به این اندازه از بصیرت رسیدم که در تحلیل های سیاسی و اجتماعی و فرهنگی فکری که به ذهنم خطور می‌کنه مطمئناً نظر رهبر و امام زمان علیه السلام باشه یا هنوز فاصله های سنخیتی با وجود مطهر امام دارم؟ آیا هنوز برام مهمه که پشت سر من ازم تعریف می‌کنند یا ذم من می‌کنند؟ معیار اعمال رفتارم خالصانه برای تقرب به خداست و رضایت آقا امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف یا رنگهای شرک از همه مدل هم توی وجودم هست؟ تعداد خداهای درونم کمتر شده یا نه؟ خلاصه استاد بزرگوام معیار سنجش امام خمینی (ره) و رهبر عزیزمون یا علامه طباطبایی (ره) یا حسن زاده آملی (ره) برای پیشرفت سلوکی چیه؟ دیدار و تشرفات خدمت حضرت حجت ارواحنا فدا یا شنیدن صدای امام از درون و الهامات قلبی...؟

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: البته باید خدا را شکر کرد که چنین احوالات و اعمال پیش آمده، ولی همچنان که متوجه هستید «بی نهایت حضرت است این بارگاه / صدر را بگذار، صدرِ توسست راه» و از این جهت باید به حضوری فکر کرد که انسان خود را ذیل اراده الهی احساس کند و منتظر صبری بود

که امیدواری از رحمت الهی را پیش می‌آورد. و این همان حالتی است که حضرت روح الله
«رضوان الله تعالی علیه» در جواب آن خبرنگار که سؤال کرد حال که به ایران برمی‌گردید، چه حالی دارید؛
فرمودند: هیچی. و همه دنیا در این «هیچی» نهفته است. زیرا می‌دانند که اوست که دارد خدایی
می‌کند و ما «برگ کاهم پیش تو ای تند باد ** من چه دانم که کجا خواهم فتاد». به او باید امیدوار
بود. موفق باشید